

رساله در معنی علل اربعه بودن ائمه علیهم السلام

از تصنیفات عالم ربانی و حکیم صمدانی

مرحوم آقای حاج میرزا محمد باقر صمدانی

اعلی الله مقامه الشریف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على اعدائهم اجمعين .

و بعد این چند کلمه ای است در جواب مسئله ای چند که بعضی سؤال کرده بودند پس سؤال ایشان را عنوان میکنم و در تلو هر یک جوابی می نویسم ان شاء الله .

سؤال: معنی اینکه حضرات ائمه علل اربعه هستند چه چیز است ؟

جواب: اول باید معنی علل اربع را بنویسم تا به آسانی بتوانی فهمید که ائمه هدی صلوات الله علیهم علل اربعند .

پس بدان که حکماء گفته اند که از برای هر چیزی چهار علت باید باشد اول علت غائی، دوم علت فاعلی، سیوم علت مادی، چهارم علت صوری مثل آنکه برای کرسی که یکی از چیزها است این چهار علت ضرور است که باید نجاری باشد که کرسی را بسازد و نجار را علت فاعلی مینامند و باید چوبی باشد که از آن چوب کرسی را بسازند و چوب را علت مادی مینامند و باید کرسی را به هیئت مخصوصی ساخت که مثلاً چهار گوش باشد و آن هیئت را علت صوری مینامند و باید این کرسی را برای کاری ساخت مثل نشستن در زیر آن یا بر روی آن که فایده و حاصل کرسی است و این فایده را علت غائی میگویند و خداوند حکیم جل شانہ

کرسی را آفریده به این چهار علت چنان که دانستی و اگر حکیمی دانا گفت که علت فاعلی کرسی نجار است مراد او همین است که دانستی و مراد او این نیست که نجار نعوذ بالله خدا است یا شریک خدا است یا کمک خدا کرده در ایجاد کرسی یا استقلالی برای او هست، بلکه مراد این است که نجار به حول و قوه الهی و تعلیم خداوندی این کرسی را ساخته و اگر خدا قدرت ساختن کرسی به او نداده بود و تعلیم او نفرموده بود به واسطه دانایی؛ نجار نمی توانست که به حول و قوه خود کرسی بسازد و چون در جمیع فواعل و کارکنان عالم فکر کنی خواهی دانست که از این قبیل است، حتی آتش به همین طور میسوزاند و آفتاب به همین طور روشن میکند که هیچ صاحب اثری در اثر خود مستقل نیست و شریک و معین و وزیر و وکیل خدا نیست. و خداوند جل شأنه اثر هر چیزی را در آن چیز آفریده و به واسطه آن چیز و اثر آن کارهای دیگر را میکند و او است خالق هر چیزی به هر طوری که خواسته و به هر چیزی که خواسته و حده و حده لا شریک له فی شیء من الاشياء.

پس چون این معنی را متذکر شدی بدان که در بعضی از موجودات علت فاعلی و علت غائی و علت مادی و علت صوری متعددند چنان که یافتی که نجار شخصی است و کسی که در زیر کرسی مینشیند شخصی دیگر است و چوب چیزی دیگر است که دخلی به آن دو شخص ندارد و هیئت کرسی چیزی دیگر است که بر چوب وارد شده و اختصاصی به چوب

ندارد و آن هیئت را بر آهن هم میتوان وارد آورد و لکن در همه چیز و همه جا لازم نیست که این چهار؛ چهار شخص باشند و می تواند بود که این چهار از یک شخص به وجود آید به اعتبارها و جهات عدیده مانند نور آفتاب که خداوند عالم جل شأنه آن نور را به واسطه آفتاب آفریده و آفتاب را علت فاعلی نور آن قرار داده و همچنین آن نور را برای آفتاب آفریده و اگر آفتاب را نیافریده بود نور آفتاب را نمی آفرید پس اگر خطاب کند به آفتاب خواهد گفت که لولاک لما خلقت انوارک پس آفتاب به این ملاحظه علت غائی نور خود هم شد چنان که علت فاعلی آن بود. و همچنین ماده نور آفتاب را خداوند عالم جل شأنه از جایی دیگر نگرفته چنان که نجار چوب را از جایی دیگر میگرفت پس خداوند ماده نور آفتاب را از خود آفتاب خلق فرموده در زیر رتبه آفتاب نه از ذات خود آفتاب چنان که با چشم میبینی که چنین است. و همچنین صورت نور آفتاب را خداوند عالم از ماسوای آفتاب نگرفته و از خود آفتاب خلق فرموده در رتبه ای پست تر از رتبه ذات آفتاب و پست تر از رتبه ماده نور آفتاب، چنان که اگر شعوری داشته باشی میفهمی که امر چنین است. پس جمیع علت های چهار گانه نور آفتاب را خداوند عالم به واسطه یک آفتاب قرار داده نه به واسطه اشخاص متعدده.

پس خداوند عالم جل شانه آفتاب را علت‌های چهارگانه نور آفتاب قرار داده به این طور که شنیدی، و خدا است خالق آفتاب و خالق نور آفتاب وحده و حده لا شریک له.

پس چون این معنی را در آفتاب و نور آفتاب یافتی بدان که خداوند عالم جل شأنه اول چیزی که در عالم آفرید وجود مبارک پیغمبر بود ﷺ و در اخبار بسیار وارد شده و شیعه و سنی آن اخبار را قبول دارند و آن اخبار به حد تواتر رسیده بلکه می‌توان گفت که معنی این اخبار در میان شیعه و سنی از حد تواتر گذشته و به حد ضرورت رسیده که بر سر گلدسته‌ها و مناره‌ها سنی‌ها فریاد میکنند که السلام علی اول الموجودات و اشرف الکائنات و در میان شیعه این معنی از حد تواتر گذشته که سایر ائمه نیز در اصل طینت و خلقت با پیغمبر ﷺ شریکند. **اشهدان ارواحکم و نورکم و طینتکم واحدة طابت و طهرت بعضها من بعض، و حسین منی و انا من حسین، و علی منی و انا من علی** و از این قبیل اخبار در میان شیعه بلکه در میان سنی از حد تواتر گذشته و اگر بخواهی بدانی که چنین است به کتاب غایة المرام عربی و فارسی رجوع کن تا بیابی.

پس چون دانستی که ایشان علیهم السلام اول موجودات و اشرف کاینات و خلاصه برتئاتند، بدان که خداوند عالم جل شأنه جمیع ماسوای ایشان را علیهم السلام از نور ایشان آفریده چنان که همه نورهای آفتاب را به واسطه آفتاب آفریده و نور ایشان از ایشان صادر شده چنان که نور آفتاب

از آفتاب صادر شده و جمیع نورهای ایشان را خداوند جل شانه از برای ایشان آفریده چنان که نورهای آفتاب را از برای آفتاب آفریده و جمیع مواد و صور اشیاء را در زیر رتبه ایشان به واسطه ایشان آفریده نه از ذات شریف ایشان چنان که جمیع مواد و صور انوار آفتاب را به واسطه آفتاب در زیر رتبه آفتاب آفریده نه از ذات آفتاب **ما تری فی خلق الرحمن** **من تفاوت** و ایشان علیهم السلام شریک خداوند جل شأنه نیستند نه در ذات مقدسه خود و نه در انوارشان و وکیل او نیستند و معین او نیستند چنان که آفتاب شریک خدا نبود نه در خلقت ذات خود و نه در خلقت انوار خود و وکیل و معین او جل شأنه نبود. **هو الذی خلقکم ثم رزقکم ثم یمیتکم ثم یحییکم هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم من شیء سبحانه و تعالی عما یشرکون**. پس این است معنی آنکه ایشان علیهم السلام علل اربع جمیع اشیاء هستند و در جمیع کتابهای فارسی و عربی که در این باب نوشته شده از این قبیل اخبار بسیار است از مرحوم مجلسی و سایر علمای ابرار (اعلی الله مقامهم) به این مضمون که خداوند ایشان را (علیهم السلام) آفرید و نه لوحی بود و نه قلمی و نه بهشتی و نه جهنمی و نه مؤمنی و نه کافری و نه آسمانی و نه زمینی و نه عرشی و نه فرشی و نه آفتابی و نه ماهی و نه نوری و نه ظلمتی و نه انسانی و نه حیوانی و نه گیاهی و نه جمادی و نه دنیایی و نه آخرتی و نه آتشی و نه هوائی و نه آبی و نه خاکی و نه چیزی از چیزها پس خلق فرمود از نور ایشان علیهم

السلام لوح و قلم و عرش و کرسی و آفتاب و ماه و همچنین سایر اشیاء را.
فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر، فان یکفر بها هؤلاء فقد وکلنا بها قوماً
لیسوا بها بکافرين .

سؤال: معبود حضرات چیست و مخاطب در قرائت حضرات **ایاک** **نعبد**
کیست ؟

جواب: معبود ایشان صلوات الله علیهم ذات یکتای خداوند عالم است
جل شأنه و مخاطب ایشان در **ایاک** **نعبد** همان ذات یکتا است و ایشان
آمدند که مردم را از بت پرستی برهانند و فرمود: **کل ما یشغلك عن الله**
فهو صنمک یعنی هر چیزی که تو را مشغول کند از خدا و یاد خدا آن چیز
بتی است از برای تو و ایشان و اتباع ایشان صلوات الله علیهم بالاتر از آنند
که کسی این جور خیالات واهی در باره ایشان کند و خداوند مروتی به
مخالفان ما کرامت کند که این جور خیالات واهی کفر آمیز در حق
کسانی که شارح و مبین دین و مذهب و آئینند گمان نکنند و بهتان نبندند
و چون از ایراد واقعی بر کلمات ایشان بعون الله عاجز شدند و هستند،
لابد و ناچار شدند که باب افتراء بر روی خود گشایند؛ **ان الذین يؤذون**
المؤمنین والمؤمنات بغير ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتانا واثماً مبيناً.

سؤال: ایشان با خداوند عالم متحدند یا مغایر هستند ؟

جواب: در اصل معنی مخلوق بودن و محتاج بودن ایشان صلوات الله علیهم و غیر ایشان یکسانند چنان که آفتاب مخلوق خداست نور آفتاب هم مخلوق، و چنان که ایشان مخلوق خدایند انوار ایشان هم مخلوق خداست. و هیچ خلقی را با خداوند قرابتی و نسبتی نیست و خلق با خلق نسبتها دارند و بعضی از آنها نورند و بعضی منیر و بعضی سبند و بعضی مسبب و همگی در مخلوق بودن شریکند و هیچ یک نسبتی با ذات خدای سبحانه ندارند بلی ایشان برگزیدگان خدا و مقربان درگاه اویند و معنی تقرب به او این نیست که کسی خویش و نزدیک ذات او باشد بلکه مراد این است که شخص امثال کند اوامر او را و اجتناب نماید از نواهی او در هر عالمی به دار رضای او برسد و از دار غضب او دور شود و دار رضای او و دار غضب او ذات او نیستند چرا که آنها دو تا هستند و ذات مقدس او یک است و دو نیست.

سؤال: معرفت امام زمان که از اصول مذهب است چیست مراد از امام زمان؟

جواب: گویا از عبارت سؤال چیزی افتاده و میخواست بنویسد که مراد از امام زمان کیست. پس معرفت امامت که از اصول مذهب است و معروف در میان شیعه اثنا عشری است معرفت جمیع ائمه دوازده گانه است سلام الله علیهم اجمعین. و مراد از امام زمان در این زمان حضرت

بقية الله حجة بن الحسن امام دوازدهم عجل الله فرجه است و در زمان هر امامی از ائمه گذشته عليهم السلام معرفت همان امامی است که در آن زمان بوده و در زمان پیغمبر ﷺ معرفت خود او بود اگر امامت را به معنی مخصوصی که مخصوص ائمه طاهرين بود معنی کنیم و اگر امامت را به معنی پیشوا معنی کنیم هر پیغمبری در زمان خود امام زمان خود بود و معرفت او بر امت او لازم بود و مع ذلک صاحب مرتبه امامت خاصه نبودند مگر حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام و به این معنی که پیغمبران پیشوای امت خود هستند و معرفت ایشان در هر زمانی بر امت ایشان لازم بود و اوصیای ایشان هم پیشوایان امت ایشان هستند و مبین حلال و حرام ایشان و اهل هر عصری در اخذ حلال و حرام لابد باید ایشان را بشناسند و اخذ حلال و حرام خدا را بکنند و به این معنی علمای امت پیغمبر ﷺ هم پیشوایان مقلدین خودند چنان که پیغمبر ﷺ فرمودند: **علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل** که مقلدین باید مجتهد و عالم را به علم و تدین و تقوی و عدالت بشناسند و او را تقلید و پیروی کنند و به این معنی پیش نمازها را امام جماعت مینامند و امام جمعه را امام جمعه میگویند و این معنی امامت را کسی که بخواهد اقتداء به پیشوا و پیش نمازی کند باید او را به عدالت بشناسد و عدد این جور پیش نمازها از حد و شمار بیرون است. و اما امامت مخصوصه به ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين مخصوص خود ایشان است و به ملاحظه ای سیزدهمی

برای ایشان نیست و به ملاحظه ای پانزدهمی برای ایشان نیست و هر کس از شیعه اثنا عشری غیر ایشان را با ایشان شریک کند در معنی امامت مخصوصه به ایشان، ماها او را کافرو نجس می دانیم چرا که از ضرورت مذهب اثنا عشری خارج شده:

هذا اعتقادی فیه قد ابدیته فلیقبل الواشون او فلیمنعوا

سؤال: ائمه هدی علیهم السلام که علل اربع هستند مرکبند یا بسیط؟ از برای خودشان علیت دارند یا نه؟

جواب: ائمه طاهرین علیهم السلام مخلوقند و ماها همه مخلوقات را مرکب میدانیم و بسیط ذات خدای سبحانه است و بس اگر چه بعضی از حکماء بسایط بسیار قائل شده اند و عقل و مافوق عقل را بسیط خیال کرده اند ولی ماها بسیط حقیقی غیر از ذات خدای سبحانه قائل نیستیم و جمیع خلق از اول خلق گرفته تا آخر آن را مرکب می دانیم چرا که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: **ان الله سبحانه لم یخلق شیئاً فرداً قائماً بذاته دون غیره للذی أراد من الدلالة علیه و دو بسیط در نزد ماها داخل معقولات نیست به طورهایی که خودمان میدانیم و غیر ما نمی دانند، والحمد لله علی ما منّ علینا من معرفة توحیده.**

و اما اینکه آیا ایشان علیهم السلام برای خود علیت دارند یا نه آنچه شما در مشیت و فعل و صنع خدا میگویید چون که ما ایشان (علیهم السلام) را اول موجودات می دانیم می گوئیم. پس از شما سؤال میکنم که هر چیزی را

خداوند عالم به مشیت و صنع خود آفریده آیا مشیت و صنع خود را به مشیت و صنعی دیگر آفریده یا خود مشیت را به خود مشیت آفریده؟ و ماها چون متمسکیم به ائمه طاهرین علیهم السلام چنین فرموده اند که **خلق الله الاشياء بالمشية و خلق المشية بنفسها** و نه این است که این معنی را نفهمیده بگوییم بلکه فهمیده ایم که هر چیزی را خداوند عالم به رطوبت تر میکند و رطوبت را به خود رطوبت رطوبت کرده و هر چیزی را به چربی چرب میکند و چربی را به خود چربی چرب کرده و هر چیزی را به گرمی گرم میکند و گرمی را به خود گرمی گرم کرده و همچنین در سایر اسباب و مسببات آنها و ذات مقدس او رطوبت و چربی و گرمی و سایر اسباب و آلات نیست. والسلام علی من اتبع الهدی.

تمام شد این مختصر در روز دوشنبه بیست و سیم شهر محرم الحرام ۱۲۸۷ حامداً مصلیاً مستغفراً.